

## وجوه اعجاز قرآن

**مقدمه:** هنگامی که کلام معجز نمای پروردگار به گوش فصحای عرب رسید زیبایی وصف ناپذیری در آن احساس کردند بدان سان که پیمانۀ روحشان از لذت و اعجاب لبریز گردید و بی اختیار در برابر عظمت و اعجاز آن زانو بر زمین زدند و قلب و روح خویش را بدان تسلیم کردند ، درست مانند روحی حساس که در برابر زیبایی مطلق قرار گیرد چنان محو جمال و جبروت آن شدند و «بوی گل» چنانشان مست کرد که دامن عقل و ادراکشان از دست رفت . حال مسلمانان اولیه اسلام چنین بود زیرا که حال عاشقان دل از دست رفته جز این نمیتواند باشد چرا که «عشق آمدنی بود نه آموختنی» در مبتذل ترین جنبه های عشق هم نوعی احساس نگفتنی وجود دارد که در قالب کلمات نمیگنجد و از روی محاسبه دقیق نیز حاصل نشده است . برای مسلمانان آغاز دین اسلام تأثیر عمیق بیان قرآن کافی بود که مرغ دل را به سوی آن پرواز دهند و به همین علت در روزهای نخستین انتشار اسلام وحتى در دهها سال بعد از آن هنوز مسلمانان از سکر کلام حق مدهوش بودند و عاشقانه بدان می نگریستند اما با پیدایش مباحثات و برخورد افکار مسلمانان با پیروان سایر ادیان اندک اندک دین و فلسفه - یعنی این دو دشمن دیرین با یکدیگر آشتی کردند و «فرزندان ناخلفی» که در اثر پیوند روحانی قرآن با افکار ساده عاشقان آن بوجود آمده بودند - برای یافتن «علت ها» و «چراهای» خانوادگی خویش به جستجو پرداختند و جاذبه قرآن را در آزمایشگاه مغز خویش

به دست منتقد عقل سپردند تا راز زیبایی سحرانگیزش را بیابد و پرده از سحر بیان آن بردارد، اما پرواز ذهن بشر در آن روزگار چنان نبود که همه رموز را یکجا کشف کند و امروز هم با همه پیشرفت‌های علمی و تکنیکی - که بشر را از کره‌خاک بر اوج افلاک رسانیده - هنوز رمز اعجاز قرآن بتامی کشف نشده است زیرا «حقیقت اعجاز قرآن یکی از اصول لاینحل و مطالب مرموز تاریخ است که تاکنون هیچ کس کاملاً به کشف اسرار آن موفق نگشته است»<sup>۱</sup>.

به گمان بنده علت ناشناخته ماندن بسیاری از وجوه اعجاز قرآن وجود متشابهات قرآن است که با سیر افکار و پیشرفت دانش بشر، گوشه‌هایی از حقایق خود را می‌نمایاند ولی در عین حال قسمتهای بیشتری از آن در پرده استتار باقی میماند. به همین دلیل اگر مطالبی را که از دیرباز تاکنون در خصوص اعجاز قرآن نوشته شده است از نظر بگذرانیم پی خواهیم برد که با گذشت زمان بر شماره وجوه اعجاز قرآن افزوده شده و هر روز از روز پیشین کاملتر گردیده است.

استناد برخی ازین وجوه به فرقه‌ای معین به دلایل زیر دشوار خواهد بود: نخست: وجود عقایدی است که در پاره‌ای از کتابها به افرادی معین نسبت داده شده است در حالی که از خود آنان مستقیماً مطلبی در دست نیست و بدین جهت اظهار نظر قطعی خالی از مسامحه نخواهد بود.

دیگران که بعضی از وجوه اعجاز قرآن تقریباً در میان اغاب گروههای مسلمانان مشترکست و ظاهراً گروهی اندک به راهی دیگر گام نهاده‌اند.

آخرین و مهمتر از همه آنست که بسیاری از بحث‌های تازه‌ای که اکنون در باره اعجاز قرآن مطرح می‌شود و ناشی از فکر علمی امروزی است اختصاصی به گروهی معین ندارد. بدین ترتیب وجوه گوناگون اعجاز قرآن را با در نظر گرفتن قدمت تقریبی آنها مورد بررسی قرار خواهیم داد اما قبل ازین بحث - که اساس این مقاله را تشکیل می‌دهد - ذکر چند مطلب کوتاه ضروری بنظر میرسد:

### تفاوت موضوع اعجاز قرآن با سایر موضوعات کلامی .

موضوع اعجاز قرآن و وجوه گوناگون آن از چند جهت با دیگر موضوعات کلامی اسلام متفاوتست: نخست آن که عموم فرقه‌های اسلامی در معجزه بودن قرآن، اتفاق نظر کامل دارند و اگر اختلاف عقیده‌ای هم موجود باشد، در نوع توجیه و تفسیر وجوه آنست، برخلاف برخی دیگر از عقاید - مانند جبر و اختیار - که ما به النزاع گروه‌های مختلف مسلمانان است .

دیگر آن که وجوه اعجاز قرآن هم آهنگ با پیشرفت‌های دانش بشر، توسعه و تعدد یافته و بتدریج بحث‌ها و دلایل نوینی درین زمینه مطرح شده است . افزایش سطح دانش بشری هر روز چشم اندازهای تازه‌تری را در شناختن اعجاز قرآن در برابر دیدگان بشر می‌گشاید و زوایای تاریک و مبهم آنرا روشن می‌سازد . آنچه امروز بعنوان «اعجاز علمی» قرآن مورد بحث قرار می‌گیرد، نتیجه پیشرفت‌های علوم است که در هر قدم یکی از دریچه‌های شک و گمان را فرو می‌بندد . بنابراین برای شناختن اعجاز قرآن، نمی‌توان به مطالعه نظریات پیشینیان اکتفا کرد چرا که در این صورت فقط جنبه‌هایی معین از موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت و بیگمان، ناقص خواهد بود<sup>۲</sup> .

نکته سوم آنست که چون قرآن از دیرباز شاخص فصاحت و بلاغت شناخته شده به همان اندازه که متکلمان بدان توجه کرده‌اند، دانشمندان علوم بلاغت نیز در آن به موشکافی پرداخته و کتب متعددی را بر اساس اسلوب بلاغت قرآن و شرح آن تألیف کرده‌اند. رویهم‌رفته میتوان ادعا کرد که بحث در اعجاز قرآن در کتابهای کلامی در درجه دوم (و حتی سوم) اهمیت قرار گرفته و بنابراین در بیشتر آن کتابها

۲- بحث درباره کلیات معجزه درین مقاله نمی‌گنجد، علاقمندان می‌توانند به مقدمه کتاب «اعجاز قرآن و فصاحت محمد» تألیف مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای عبدالحسین ابن‌الدین، چاپ دوم از ص ۹ تا ۹ مراجعه فرمایند .

بیش از چند صفحه بدان اختصاص نیافته است<sup>۳</sup> و گمان می‌رود که علت این امر اتفاق نظر مسلمانان در معجزه بودن قرآن است، اما در عوض کتابهایی چند منحصرأ درین زمینه نوشته شده و جزئیات امر از هر لحاظ مورد بررسی قرار گرفته است<sup>۴</sup>.

درین مقاله کوشش خواهیم کرد که سیر این مطالب را از دورترین ایام تا به امروز با رعایت اختصار باز نماییم. توضیح آن که مطالب نقل شده - جز از کتاب «اعجاز قرآن و بلاغت محمد ص» و «اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی» بوسیله اینجانب ترجمه شده است:

### نوع اعجاز قرآن

از روزگارهای پیشین رسم چنان بوده است که هر پیامبری برای اثبات دعوی خویش انجام امری خارق العاده را بر عهده می‌گرفته است. این گونه امور بر حسب پیشرفت عامی و عقلی مردم هر زمان به نحوی خاص جاوه گر می‌شده است اما با همه کثرت معجزات گوناگون، می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱ - معجزه ممکن است که «برخلاف طبیعت و جریان عمومی جهان واقع گردد» که انجام آن فقط به دست خداوند است.
- ۲ - برخی دیگر از معجزات برخلاف نظام طبیعت صورت نمی‌گیرد ولی «وقوع آنها معلول علتی است که ذهن بشر بدان نرسیده است و فقط عده‌ای انگشت شمار بدان رسیده<sup>۵</sup>» و بر رموز آن آگاهی یافته‌اند.

۳- برای آگاهی از کتبی که درین مورد نوشته شده به ص ۱۰۵ تا ۱۰۸ کتاب اعجاز قرآن و فصاحت محمد مراجعه فرمایید.

۴- این موضوع را با صفت متکلم بودن خداوند و صفات کلامی - که یکی از مهمترین بحثهای متکلمین است - نباید اشتباه کرد.

۵- اعجاز قرآن و بلاغت محمد تألیف مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای عبدالحسین ابن‌الدین چاپ بنگاه مطبوعاتی عطایی ۱۳۲۹ ص ۶-۷.

۶- ایضاً، ص ۷.

۳- نوع سوم معجزه ایست که بظاهر با امور عادی زمان هم آهنگ و باناموس کلی طبیعت منطبق باشد اما در حدی از کمال و درنهایتی از تعالی عرضه گردد که بالاتر از آن در وهم ننگجد و باین همه سری ناشناخته و صفتی پوشیده را دربرداشته باشد که در هر زمان جلوه‌ای خاص بخود گیرد و در عین حال به دورانی معین اختصاص نداشته باشد.

گرچه ظاهراً هیچیک از معجزات ازین سه دسته بیرون نیست، جادادن هر یک از آنها در یکی ازین سه گروه کاری دشوار است چرا که «ممکن است ما امری را مخالف طبیعت بدانیم ولی در واقع اینطور نباشد و بعدها علتش کشف گردد»<sup>۷</sup>، یا «آنچه در سابق معجزه بوده امروز دیگر امری آسان باشد»<sup>۸</sup> اما باید همیشه معجزه را نسبت به زمان آن در نظر بگیریم چرا که در آن وقت با امر و جریان طبیعت متناقض بوده است.

نکته دیگر این که: معجزات پیغامبران بنی اسرائیل در دورانهای قبل از اسلام بیشتر جنبه عینی وحسی داشته است تاجنبه عقلی، مانند اژدهاشدن عصای حضرت موسی (ع) و پیدا شدن ناقه صالح ولی معجزات حضرت محمد به سبب ذکاوت پیروانش، عقلی بود<sup>۹</sup>.

دلایلی در دست است که اسلام «خرق عادت را که برخلاف ناموس طبیعت باشد نمی پذیرد»<sup>۱۰</sup>. آیات قرآنی نشان می‌دهد که اعراب در آغاز بعثت پیامبر اسلام انجام کارهای خارق العاده‌ای را که عقلاً ناممکن می‌نماید - از وی طلب می‌کرده‌اند تا دلایلی بر صحت ادعای وی باشد: «وقالوا لنومن لك حتى تفجر لنا من الأرض ينبوعاً او تكون جنّة من نخيل وعنب فتفجر الأنهار...»<sup>۱۱</sup>، اما حضرت محمد (ص) اساساً خرق عادت را نمی‌پذیرفت و در پاسخ، سخن پروردگار را به آنان ابلاغ می‌فرمود که: «الذین قالوا ان الله قد عهد الینا ان لانؤمن لرسول

۷ و ۸- اعجاز قرآن و بلاغت محمد ترجمه آقای ابن‌الدین ص ۷.

۹- الاتقان فی علوم القرآن تألیف جلال‌الدین السیوطی الشافعی جزء دوم چاپ قاهره ص ۱۱۶.

۱۰- اعجاز قرآن و بلاغت محمد ترجمه آقای ابن‌الدین ص ۸.

۱۱- قرآن کریم، سوره ۱۷ اسری، آیات ۹۰ و ۹۱.

حتى يأتينا بقربانٍ تأكله النار قل قد جئناكم رسل من قبلى بالبينات وبالذى قاتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين<sup>۱۲</sup> .

«فهل ينظرون الا سنة الاولين فان تجد لسنة الله تبديلاً ولن تجد لسنة الله تحويلاً»<sup>۱۳</sup> . بنابراین جای شکی باقی نمی ماند که اعجاز قرآن از نوع سوم است که ظاهراً بدانش و عادات و زبان و قواعد زمان خود مطابقت دارد و ترکیب آن از کلماتی است که همه بدان تکلم می کنند ، بقول دکتر محمد احمد الفمراوی «قرآن چیزی خارج از کلام معهود عرب نیست ، کلماتش از حروف عربی ترکیب یافته و جملاتش از کلمات آنها بوجود آمده و بهمان روش اعراب تألیف شده است و از لحاظ افراد و ترکیب از سنن عرب دورتر نرفته است»<sup>۱۴</sup> .

### آیا قرآن معجزه است ؟

«معجزه» در لغت به معنای «ناتوان کننده» است و در اصطلاح امری است که کسی جز پیامبر توانایی انجام آن را نداشته باشد ، یا بعبارت دیگر ، دیگران از انجام آن عاجز گردند. کتاب شرح باب حادی عشر درباره عجز اعراب از معارضه با قرآن چنین آمده است : «شکی نیست که معجزه های بسیاری بردست پیامبر اسلام بظهور رسیده و این مطالب بتواتر ثابت گردیده است و از آن جمله قرآن کریم است که حضرت محمد (ص) مردم را به معارضه با آن خواند و از آنان خواست که مانند آنرا بیاورند اما آنان ازین کار عاجز گردیدند و حتی خطیبان بزرگ و چیره زبان عرب به ناتوانی خویش اعتراف نمودند چنانکه در اثر این ناتوانی به کشتار و مسابقه ای تن دادند که جانها و مالهایشان را نابود ساخت و اهل و عیالشان را به اسارت کشانید ، در حالی که آنان به مفردات الفاظ عربی و ترکیب آنها آشنا بودند و بسیاری از آنان در زمرة فصحا و باغای چیره دست عرب

۱۲- قرآن کریم، سوره آل عمران آیه ۱۸۳ .

۱۳- قرآن کریم، سوره فاطر آیه ۴۳ . و نیز بخشی از آیه ۲۳ سوره ۴۸ فتح .

۱۴- نقل از کتاب نظرات فی القرآن تألیف محمد الغزالی چاپ مصر ص ۱۴۶ .

بشمار میرفتند، بنابراین اگر معارضه باقرآن برایشان امکان داشت می توانستند با آوردن سوره یا آیه ای مانند قرآن ، جان و مال و حریم خویش را محفوظ نگهدارند و دلیل عجزشان همین است زیرا که خردمند هیچگاه امری را که انجام آن برایش ممکن باشد رها نمی کند و به کاری دشوارتر که خطر نابودی جان و مال و شرافت خانوادگی در پی داشته باشد روی نمی آورد<sup>۱۵</sup> .

جلال الدین سیوطی نیز همین عقیده را اظهار کرده است . وی در کتاب اتقان میگوید با وجود آنکه خطیبان و بایفان مشهوری در عربستان وجود داشتند خداوند آنان را به عجز خطاب کرده و گفته است که : «لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لیا تون بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیراً»<sup>۱۶</sup> . باتوجه به این که خطیبان آن روز عرب همه بر خاموش کردن آتش مقدس پیامبر (ص) حریص بودند ، اگر توانایی داشتند بی گمان نقشه خویش را اجرا میکردند اما آنان به جای معارضه گفتند که کلام محمد (ص) «سحر» است و گاهی نیز آنرا «شعر» یا «افسانه های پیشینیان» شمردند و یا راه تمسخر را در پیش گرفتند و عاقبت به جنگ و سپردن گردنهای خود به شمشیر روی آوردند در حالی که اگر می توانستند معارضه میکردند و راحت می شدند<sup>۱۷</sup> .

برخی نیز به جای آوردن «مانند قرآن» ، «چون راه معقولی نیافتند به حضرت محمد (ص) گفتند که تو چیزی میدانی که ما نمیدانیم و بدین سبب معارضه باقرآن برای مادشواراست . پیغامبر اسلام به آنان پاسخ داد که لازم نیست سخن راستی را بیان کنید ، اگر میتوانید «مفتریاتی» مانند آن بیاورید . اما باز هم - با وجود آن خطیبان و شاعرانی داشتند که قصیده های عذب ، رجزهای فاخر ، خطبه های بلیغ و . . . داشتند و بیش از همه مردم به آنچه داشتند افتخار

۱۵- شرح باب حادبعشر، تألیف فاضل مقداد چاپ مرکز نشر کتاب تهران، (۱۳۷۰هـ.ق) ص ۴۰.

۱۶- قرآن کریم، سوره ۱۷ اسری آیه ۸۸ .

۱۷- الاتقان فی علوم القرآن تألیف جلال الدین السیوطی الشافعی جزء دوم ص ۱۱۷ .

میکردند - نتوانستند سخنی مانند قرآن بیاورند<sup>۱۸</sup>».

در مورد فصاحت و بلاغت قرآن عقاید دیگری نیز بیان شده که در بحث اعجاز بیانی قرآن بتفصیل از آن گفتگو خواهیم کرد، تنها سخنی که باقی می ماند آنست که ممکنست برخی از مردمان غیر عرب بگویند که: معارضه کردن با قرآن و درک اعجاز فصاحت و بلاغت آن مستلزم آموختن زبان عربی و ادبیات آنست و این کار حداقل برای بیشتر آنان که زبان عربی، زبان مادریشان نیست دشوار و برای برخی نیز ناممکنست، بنابراین باید همه بروند و عربی بیاموزند و پس از آموختن و رسیدن به حد کمال، اگر قادر به معارضه با قرآن نبودند آن وقت بر آنان واجبست که معجزه بودن قرآن را بپذیرند و بدین ترتیب شناختن اعجاز قرآن اساساً برای جمعی ناممکنست<sup>۱۹</sup>». در پاسخ به این گروه باید گفت که اگر پذیرفتن هر امری مستلزم دیدار عینی آن باشد، بسیاری از امور مسلم زندگی از سرزمین حقایق به مرزهای گمان خواهد رسید و آنوقت در این «هرج و مرج حقیقت» شیره های خورشید ندیده حق خواهند داشت که بطور کلی واقعیت خورشید را نپذیرند و بعلاوه بیشتر مردم به خود اجازه خواهند داد که اصول مسلم علمی را نیز - به دلیل آن که خود نیازموده اند - اموری واهی بپندارند؛ حتی در این «شهر هیرت» همه حق خواهند داشت که بر حوادث روزگارهای گذشته خط بطلان بکشند و مثلاً اعجاز عصای موسی و جانبخشی دم مسیحارا نیز - بدلیل ندیدن عینی آن انکار نمایند و بگویند که: اجازه بدهید برویم و در عالم سحر کامل شویم و آنگاه پی ببریم که اژدها شدن عصای موسی (ع) از روی سحر بوده است یا اعجاز.

و اما درباره اعجاز قرآن باید گفت: درست است که ممکن است کسی زبان عربی را نداند اما بییقین میدانند که اعراب در زمان حضرت محمد (ص) زبان عربی را بخوبی میدانستند و در فصاحت و بلاغت نیز به حد کمال رسیده بودند، بنابراین اگر معارضه با قرآن امکان داشت چنانکه گفته شد از عهد آن بیرون می آمدند

۱۸- ایضا ص ۱۱۸.

۱۹- اصول الدین تألیف ابی منصور عبدالقاهر بغدادی چاپ استانبول ص ۱۸۴.



و کار به جدال و قتال نمی کشید ، همان گونه که ساحران هم در عهد فرعون چون نتوانستند باموسی برابری کنند ، حقیقت اعجاز وی را شناختند و پذیرفتند که سحر نیست و امروز همین برای ما حجت است<sup>۲۰</sup> ، چرا که «هرگاه دقایق ترکیب کلام و مزایای آن بطوری باشد که سراسر حواس انسان را فراگیرد و بمنتهای درجه ای که برای سخن متصور است رسد و بمنزله روح يك لغت و بیان يك جمعیت بشمار آید بطوری که هیچ دوره ای از ادوار قلب و انقلابی در آن پدید نیآورد و عموم فصحا و بلاغا نسبت بآن دريك درجه از عجز قرار گیرند و معترف بناتوانی خود گردند ، بی شك معجزه طبیعت سخن میباشد و این معنی بانظر در آیات قرآنی بخوبی معلوم میگردد»<sup>۲۱</sup> .

«ممکنست که برخی بگویند که اگر اهل عصر محمد (ص) نتوانستند با قرآن معارضه کنند در زمان ما غیر ممکن نیست»<sup>۲۲</sup> . پاسخ این سؤال را باقلانی در کتاب اعجاز القرآن چنین میدهد که : «هر معجزی در زمان معینی مورد توجه و بحث است بنابراین چون مردمان زمان حضرت محمد (ص) به معارضه خوانده شده بودند و آنان نیز عاجز ماندند ، لزومی ندارد که اهل دوران ما با قرآن معارضه نمایند بلکه همان عجز گذشتگان ، برای معجزه بودن قرآن ، دلیلی کافی است»<sup>۲۳</sup> . ناگفته نباید گذاشت که پاسخ باقلانی خالی از مسامحه نیست ، مصحح کتاب اعجاز القرآن باقلانی نیز بدین امر توجه کرده و اشاره نموده است که تحدی با قرآن مخصوص به زمانی معین نیست ، چنانکه طبری در مقدمه تفسیرش نوشته است که «اعجاز قرآن در هر عصری ثابت است و اهل هر زمانی میتوانند با آن معارضه نمایند»<sup>۲۴</sup> . اکنون که این مقدمات پایان یافت به اصل سخن یعنی «وجوه

۲۰- مضمون مطلب اخیر از ترجمه شرح باب حادی عشر از حاجی میرزا محمدعلی حسینی شهرستانی چاپ مرکز نشر کتاب ۱۳۷۸ ه. ص ۱۳۷ و ۱۳۸ و اصول الدین ابی منصور عبدالقاهر بغدادی چاپ استانبول ص ۱۸۴ اقتباس شده است .

۲۱- اعجاز قرآن و بلاغت محمد تألیف مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای ابن الدین ص ۱۶۳ .

۲۲ و ۲۳- اعجاز القرآن از ابوبکر محمد بن طیب باقلانی مصحح سید احمد صقر ص ۱۱۰ و ۱۱۱ .

۲۴- اعجاز القرآن باقلانی ص ۱۱ (پاورقی) .

اعجاز قرآن» می‌پردازیم :

**الف : وجوهی که از دیر باز تاکنون مورد توجه بوده‌است :**

**۱ - امی بودن حضرت محمد(ص)**

تاریخ نشان می‌دهد که پیامبر گرامی اسلام امی و درس نخوانده بود و بنابراین ساختن کتابی - که عقلا و ادبای بشر در لفظ و معنای آن انگشت تعجب به دندان می‌گزند - از طرف وی امکان ندارد. باقلانی در کتاب «اعجاز القرآن» مینویسد که : «حضرت محمد(ص) در هیچ مکتبی خواندن و نوشتن نیاموخته بود و از اینرو بخوبی آشکارست که کتابهای تاریخ متقدمان و داستانهای مربوط به آنان را نخوانده بود و بعلاوه بار او یان آن قصص هم معاشر نبوده‌است ، پس چگونه ممکنست که شخصی با این ویژگی ، تاریخ کلی عالم را از زمان حضرت آدم تا آغاز اسلام بیان کند و زندگانی یکایک پیغامبران را با دقت تمام شرح دهد<sup>۲۵</sup>». تازه اگر هم بر فرض محال ، حضرت محمد درس خوانده بود ، در عربستان چه کسی بدین پایه از علم و اطلاع وجود داشت که بتواند «شاگردی» همچون محمد(ص) را تربیت کند . پس اگر «جمعی قرآن را کتبی آسمانی ندانند ناچار از آنند که تاریخ را تکذیب کنند و معتقد گردند که عرب در آن دوره در منتهی درجه ترقی و تعالی بوده و نصیبی کافی از مدنیت داشته و در علوم و معارف مقام شامخی را دارا بوده‌است زیرا واضحست که این نظم و اسلوب دقیق قرآن و معانی و حکم بلند پایه آن و از طرف دیگر کشف حقایق آسمانی و دقایق علوم طبیعی و اسرار جهانی و حل مشکلات اجتماعی و سیاسی محال است از جمعیتی بدوی - که تنها با بت پرستی سروکار داشته و بهیچوجه از شرایع و قوانین و علوم آگاهی نداشته‌اند و محیط افکار آنان را جز اوهام و خرافات احاطه نموده است - صادر گردد<sup>۲۶</sup>» .

۲۵- اعجاز القرآن از ابوبکر بن طیب باقلانی مصحح سید احمد صقر ص ۵۰-۵۱ .

۲۶- اعجاز قرآن و بلاغت محمد از مصطفی رانعی ترجمه آقای عبدالحسین ابن‌الدین ص ۵۷ و ۵۶

## ۲ - فصاحت و بلاغت قرآن

پروردگار عالمیان خود ، قرآن را باصفت «بیان و افصاح» مدح کرده است<sup>۲۷</sup>: «الرحمن علم القرآن خالق الانسان عامه البيان<sup>۲۸</sup>» «هدایان للناس وهدی وموعظه للمتقين<sup>۲۹</sup>» ، بیشتر متکلمان نیز اساس اعجاز قرآن را بر کمال فصاحت و بلاغت قرآن استوار ساخته‌اند اما تا حدی در عقاید آنان اختلاف نظر وجود دارد چنانکه برخی خالی بودن از تعقید و کراهت در ذوق<sup>۳۰</sup> و دور بودن از ناپسندی لفظ را دلیل اعجاز قرآن دانسته‌اند و جمعی دیگر از قبیل محمد بن زید و اسطی (۳۰۶م) ابو عیسی رمانی (۳۸۲م) و عبدالقاهر جرجانی ، اعجاز قرآن را از جهت «بیان» توجیه میکنند<sup>۳۱</sup> . عبدالقاهر جرجانی در کتاب دلائل الاعجاز، «مفردات» «اوزان» و با سلامت الفاظ قرآن را دلیلی بر اعجاز آن نمی‌شمرد . وی می‌گوید که : آنچه که در قرآن اهمیت دارد معانی آنست و گرنه سلامت الفاظ ، چیزی نیست که بتواند معجزه واقع شود چرا که اگر بخواهیم اعجاز قرآن را در لفظ خلاصه کنیم آنوقت باید از آن همه زیبایی‌های بیانی آن از قبیل کنایه ، استعاره و ... چشم‌پوشیم<sup>۳۱</sup> . وی برای اثبات نظریه خویش می‌گوید که : «اولا قرآن از لحاظ اینکه قرآن است و کلام خداوند ، معجزه نیست زیرا که به هر حال قرآنست و کلام خداوند ، بلکه قرآن دارای نظم و کیفیتی است که راز اعجاز آن را در بردارد . پروردگار با ذکر آیات متعدد ، بشر را به معارضه با قرآن خوانداست : «قل لئن

۲۷- البيان والتبيين ابن‌عثمان عمرو بن بحر حافظ ج اول چاپ قاهره ص ۵ .

۲۸- قرآن کریم: سورة ۵۵ الرحمن آیات ۱ و ۲ و ۳ .

۲۹- قرآن کریم: سورة ۳ آل عمران آیه ۱۳۷ .

۳۰- اعجاز قرآن و بلاغت محمد ترجمه آقای ابن‌الدین ص ۱۰۲ و ۱۰۳ .

۳۱- دلائل اعجاز از امام عبدالقاهر جرجانی مصحح شیخ محمد عبده و شیخ محمد محمود

اجتمعت الانس والجن على ان يأتوا بمثل هذا القرآن لياتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيراً»<sup>٣٢</sup>، «قل فأتوا بعشر سورٍ مثله مفتريات وادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين»<sup>٣٣</sup>، «قل فأتوا بسورةٍ مثله وادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين»<sup>٣٤</sup>، «... فأتوا بسورةٍ من مثله وادعوا شهدائكم من دون الله ان كنتم صادقين»<sup>٣٥</sup> خداوند درین آیات آوردن ده سوره وحتی يك سوره مانند قرآن را برای معارضه باقرآن کافی شمرده است ، بنابراین «نظم» و «کیفیتی» که به قرآن جنبه اعجاز میدهد باید در نظر اعراب قابل درك باشد و بخوبی آنرا شناخته باشند تا بدانند که اگر آنرا بیاورند، مثل قرآن را آورده اند ، چرا که اگر این «کیفیت» قابل درك نباشد ، اصل معارضه باطل خواهد بود ، زیرا چگونه ممکنست که ما کلامی را بیاوریم که در آن صفتی خاص نهفته باشد وبدون آنکه آن حال بر کسی روشن باشد ، دیگران را بمعارضه بخوانیم ؟

ثانیاً شایسته است که این کیفیت فقط درقرآن وجود داشته باشد ، نه قبل از آن یافته شود و نه بعد از آن . بدین ترتیب اگر کلمات مفرد را دارای آن «کیفیت» بدانیم امری باطل است زیرا که «کلمات» قبل ازقرآن هم وجود داشته است بلکه باید این وصف اختصاص به چیزی داشته باشد که چون شنوندگان آن را ازقرآن درك کردند درخارج ازقرآن نیافته باشند و نیابند<sup>٣٦</sup> .

ثالثاً این «وصف» نمی تواند در ترکیب حرکات و سکونات قرآن باشد زیرا آوردن کلامی - که از لحاظ نظم باقرآن مشابه باشد - امری محال نیست و مسیلمه کذاب سخنانی آورده که ازین جهت مشابه قرآنست : انا اعطیناک الجواهر فصل لربك وجاهر» ، «والطاحنات طحناً...»<sup>٣٧</sup> .

٢٢- قرآن کریم سوره ١٧ اسری آیه ٨٨ .

٢٣- قرآن کریم سوره هود آیه ١٣ .

٢٤- قرآن کریم سوره ١٠ یونس آیه ٢٨ .

٢٥- قرآن سوره ٢ بقره آیه ٢٣ .

٢٦- دلائل الاعجاز از عبدالقاهر جرجانی چاپ مصر صفحات ٢٩٤ ، ٢٩٥ و ٢٩٦ .

٢٧- دلائل اعجاز عبدالقاهر جرجانی چاپ مصر ص ٢٩٦ .

عبدالقاهر جرجانی با ذکر این مقدمات ، نتیجه میگیرد که همه خردمندان برآنند که آنچه قرآن را به حد اعجاز میرساند و مخوق را از آوردن مانندش ناتوان میسازد ، فصاحت و بلاغت آنست<sup>۳۸</sup> . این موضوع را ضیاءالدین بن الاثیر الجزری چنین بیان کرده است که : «الفاظ فی نفسه خصوصیتی ندارند . کلماتی که در قرآن مجید بکار رفته است ، اعراب قبل و بعد از نزول قرآن هم در گفتارشان بکار میبردند و قرآن نیز چیزی جز ترکیب همان کلمه ها نیست ، بنابراین آنچه قرآن را از سایر کلام اعراب برتر میسازد ، «ترکیب و نظم کلمات» آنست و گرنه از لحاظ کلمات مفرد با سخن عموم اعراب یکسانست چون عین همان الفاظ است<sup>۳۹</sup>»

این توجیه جزری بابخشی از سخن جرجانی متناقض است .

ابومنصور عبدالقاهر بغدادی نیز در کتاب اصولالدین نظم عجیب قرآن را در فصاحت و بلاغت یکی از وجوه سه گانه اعجاز قرآن میدانند که از عادت نظم و نثر و خطبه و شعر ... عرب خارج است<sup>۴۰</sup> . علاوه بر این او میگوید که : اگر کسی سؤال کند که چون فقط اعراب می توانند فصاحت قرآن را درک کنند ، پس عجم چگونه قادرند که اعجاز بیانی قرآن را بشناسند ؟ جواب آنست که مردمان غیر عرب میدانند که اعراب - که خود اهل زبانند - از معارضه عاجز شدند و راز اعجاز آنرا شناختند همانگونه که ساحران عهد فرعون نیز چون از مقابله و معارضه باموسی (ع) عاجز شدند وجه اعجاز وی را درک کردند که سحر نیست زیرا که اگر سحر بود معارضه با وی در حد توانایی آنان بود بدین سان کاملاً روشن میگردد که اگر قرآن معجزه نبود و از جنس کلام بشر بود مردم زبان دان عرب قادر بودند که مثل آنرا بیاورند در حالیکه همگان به ناتوانی خویش و اعجاز قرآن اعتراف کردند<sup>۴۱</sup>» .

۳۸- ایضاً دلایل اعجاز جرجانی صفحات ۳۹۹-۳۹۸ .

۳۹- الجامع الکبیر فی صناعة المنظوم من الکلام والمنثور از ضیاءالدین بن الاثیر الجزری مصحح

دکتر مصطفی جواد و دکتر جمیل سعد ص ۶۶ .

۴۰- اصول الدین از ابومنصور عبدالقاهر التمیمی بغدادی چاپ استانبول ص ۱۸۳ .

۴۱- همان کتاب ، ص ۱۸۴ .

ابوبکر محمد بن طیب باقلانی نیز اعجاز قرآن را از لحاظ فصاحت و بلاغت بتفصیل شرح داده است . او میگوید که : «قرآن از لحاظ نظم و تالیف بسیار بدیعست و در بلاغت بحد نهایت رسیده است و درین خصوص اسلوبی خاص خود دارد که باموازی زمان خود بکلی قابل قیاس نیست<sup>۴۲</sup>» . آنگاه باقلانی این بحث را بادامنه و سیعتری مطرح ساخته و تقریباً اغلب صفحات کتاب خود را بدان اختصاص داده است و خلاصه آن که بنظر خود دلایل اعجاز فصاحت و بلاغت قرآن را به ده بخش تقسیم کرده است :

۱ - برای اعراب کلامی نیست که بتواند از جهت فصاحت و تازگی ، معانی لطیف و فواید بسیار ، کلمات حکمت آموز و تناسب در بلاغت آنها به وسعت و عمق قرآن با قرآن معارضه نماید<sup>۴۳</sup> .

۲ - با همه طول و فراوانی مطالب ، در تمام آیات قرآن تناسب در فصاحت بخوبی حفظ گردیده است چه ، اگر کلام بشر بود این همه یکدستی و یکنواختی مطالب ، دچار اختلال و اختلاف میگردید ، بمصداق : «ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً<sup>۴۴</sup>» .

۳ - استحکام عبارات و فصاحت و بلاغت آن در موضوعات متفاوت بخوبی حفظ گردیده که خود کاری بس دشوار است . اهمیت این امر وقتی روشن میشود که وسعت موضوعات قرآن را از لحاظ مدح ، ذم ، داستان ، احکام و انذار و ... در نظر بگیریم و آنوقت همسانی آیات را از جهت لفظ و معنی و فصاحت و بلاغت در کنار آن قرار دهیم در آنصورت ، بیگمان بر ماسلم خواهد شد که در هیچیک از آثار سخنوران ، جامعیتی چنین شگفت آور وجود نداشته است<sup>۴۵</sup> .

۴ - اگر در کلام فصحا تعمق نماییم بدین نکته بر میخوریم که جای جای ،

۴۲- اعجاز القرآن از ابوبکر محمد بن طیب باقلانی چاپ مصر مصحح سید احمد صقر ص ۵۱ .

۴۳- همان کتاب ص ۵۳ .

۴۴- قرآن کریم سوره ۴ النساء آیه ۸۱ .

۴۵- اعجاز القرآن ابوبکر محمد بن طیب باقلانی مصحح سید احمد صقر ص ۵۴ .

تفاوت آشکاری در فصل و وصل و علو و نزول ... و قواعد شعری بچشم میخورد. مثلا دیده میشود که شاعری در میان قصاید بسیار خوب ، قصیده‌ای سست هم ساخته و یافی‌المثل از نسیب به مدح ، خوب تخلص نکرده است در حالی که قرآن از ابتدا تا انتها در یک شیوه و در یک حد از احاطه فصاحت و بلاغت قرار دارد.<sup>۴۶</sup>

۵ - قرآن در بلاغت بحدی است که قابل تقلید نیست و کسی مثل آنرا نیاورده است.<sup>۴۷</sup>

۶ - همه انواع زیباییهای کلام را - حتی بیش از حد کمال آن در آن روزگار داراست.<sup>۴۸</sup>

۷ - معانی را که متضمن است از هر جهت در سهلترین و نزدیکترین کلمات و عبارات ممکن بیان شده است.<sup>۴۹</sup>

۸ - کلماتی که در قرآن بکار رفته می‌کنست که دیگران هم بکار برده باشند اما فی‌المثل تناسب استعمال آنها در قرآن با سایر متون مانند دری است در میان خرمهره‌ها که بخوبی برجستگی و ویژگی خود را نشان میدهد.<sup>۵۰</sup>

۹ - حروفی که اساس کلام عرب را تشکیل میدهد ۲۹ تا است و عده سوره‌هایی نیز که با ذکر حروف آغاز میشود ۲۸ تا است و این شاید بدان معناست که این کتاب هم از آن حروف بوجود آمده است . (البته ذکر حروف در آغاز بعضی از سوره‌ها ، با آهنگ مخصوص خود دارای رازی است که فقط علام‌الغیوب دانای آنست)<sup>۵۱</sup>

۴۶ - اعجاز القرآن از ابوبکر محمد بن طیب باقلانی مصحح سید احمد صقر ص ۵۶ و ۵۷ .

۴۷ - همان کتاب ص ۵۷ .

۴۸ - همان کتاب ص ۶۲-۶۳ .

۴۹ - همان کتاب ص ۶۳ .

۵۰ - همان کتاب ص ۶۳ و ۶۴ .

۵۱ - همان کتاب ص ۶۶ .

۱- آیات قرآن بسیار روان است و از کلمات بدآهنگ و غریب و نیز از تکلف کاملاً دور است.<sup>۵۲</sup>

امام الحرمین جوینی نیز یکی از وجوه اعجاز قرآن را «اجتماع جزالت و اسلوب قرآن و نظم آن» میدانند که مانند سایر کلام عرب نیست. وی در عین حال نظم یا جزالت آنرا بتنهایی معجزه نمی‌شمارد بلکه معتقد است که کلمات قرآن در حالیکه جامع اخبار گذشتگانست - که از مرگ، آخرت، ترساندن از فریفتگی به دنیا و قصص شیوا سخن میگوید - در واقع جامع امور مختلف مؤتلف است و مبتنی است بر بهترین ترکیب بلیغترین کلمات، سازواری گوشه و کنار آن با هم در حدی که جملگی اعراب صریحاً و ضمناً به بلاغت آن معترف بوده‌اند.<sup>۵۳</sup>

جاحظ میگوید که: «خداوند پیامبر خود محمد (ص) را - که از تمام خطبا و شعرای عرب بلند پایه تر و از نظر ادبیت و لغت استوارتر بود - برگزید و عرب را از دور و نزدیک به یگانگی خداوند و تصدیق پیغمبری خود خواند هنگامی که راه عذر از دلیل بر آنها قطع نمود و شبهه را از خاطرشان زدود با آنکه مانع آنها از ایمان به وی از جهت عدم اعتقاد به حقانیت او نبوده بلکه تنها از جهت هواپرستی و عصبیت بود - با آنها از در پیکار بیرون آمد و از بزرگان و خویشاوندان آنها کشت و در حقانیت خود تنها استناد به قرآن نمود و هر صبح و شام با آنها تحدی بیک سوره یا چند آیه میکرد و هر چه با آنها تحدی می نمود عجز و نقص آنها بیشتر هویدا میگشت، ازینرو پیغمبر ثابت نمود که آنها با همه مهارت که در موضوع سخن و لغت دارند و با کثرت شعرا و خطبا در میان آنها - که پیوسته او را هجوم میکردند از آوردن مثل قرآن عاجز مانده‌اند و وی با آنان تحدی می نمود و آنان را یارای معارضه با او نبود، و اگر یک سوره یا چند آیه می آوردند، وجود آنها در رد قول و ابطال امر تکذیب وی بیشتر از پیکار و مبارزه با او تاثیر داشت و اتباع او را از انفاق مال و خروج از وطن زودتر متفرق میساخت و این موضوع بر هیچکس حتی

۵۲- اعجاز القرآن از ابوبکر محمد بن طیب باقلانی مصحح سید احمد صقر ص ۶۹.

۵۳- الارشاد از امام الحرمین جوینی چاپ مصر ص ۲۵۰ تا ۱۸۳ و ۱۸۴.



آنان که بدرجات از قریش و عرب در رای و فکر پست تر میباشند پوشیده نیست چه رسد به کسانی مانند عرب که در میان آنها گویندگان قصاید عالی و رجزهای فاخر و خطبه‌های بلیغ و اقسام نظم و نثر وجود داشته و باین وصف با آنها متحدی کرد و عجز همگانرا از دور و نزدیک بخوبی آشکار ساخت ... و چه‌گونه ممکن است که قریش با وجود فصاحت و بلاغتی که داشتند بیست و سه سال بمعارضه با قرآن خوانده شوند - و با آنکه تصور کنند که پیغمبر بر خطاست - او را واگذارند و با او معارضه نکنند<sup>۵۴</sup> .

از میان دانشمندان معاصر ، عقیده مصطفی صادق رافعی آنست که «حتی وحدت سیاسی اعراب و مسلمانان نتیجه مستقیم جنبه ادبی قرآن است که موجب گردید که همه قبایل گرد آن جمع شوند» آنگاه از راه لغت چنان در افکار آنان تاثیر کرد که دیگر جایی برای سخنان خطیبان باقی نگذاشت و اعرابی که دزدی و آدمکشی از کارهای روزمره آنان بشمار میرفت - ازین راه دارای سرشتی روحانی شدند ، رافعی تسلیم اعراب را - با وجود عادات وراثی و علاقه به گذشته در اثر اعجاز ادبی قرآن می‌شمارد و بعلاوه معتقد است که سبب از میان رفتن اصل اولی تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی هم آن بود که از نظر فصاحت به حد کمال نرسیده بودند و جنبه اعجاز نداشتند<sup>۵۵</sup> .

محمد الفزالی دانشمند مصری درین باب میگوید که: «معمولاً انسان پس از مطالعه هر کتابی با توجه به آنچه از آن کتاب در ذهن باقی می‌ماند ، حکم میکند که مثلاً مؤلف آن اطلاعاتش وسیع بوده است یا نه ، و ما پس از قرائت قرآن یقین میکنیم که گوینده آن بر آسمانها و زمین احاطه دارد و بر اولین و آخرین مشرفست ، به اسرار نفوس و کنه ضمائر داناست ، سراسر قرآن گفتگوی سروری حقیقی است که بایندگان مخلوق خویش سخن میگوید و بعلاوه این معانی با فطرت انسان نزدیک است ، بهمین جهت حتی خود کافران پس از شنیدن آن درک میکردند که از احاطه اسلوب باروش زمان متفاوتست اینجا بود که از شنیدنش هولی عظیم بدانها

۵۴- اعجاز قرآن و بلاغت محمد از مصطفی صادق رافعی ترجمه ابن الدین ص ۱۲۳ و ۱۲۴ .

۵۵- همان کتاب ص ۶۵ و ۶۶ .

روی می نمود و حتی ولید بن مغیره از پیشوایان کفار مکه چون قرآن را شنید ، اندیشید و رقت قلبی باو دست داد و در جواب ابوجهل - که بدو گفته بود که سخنی را که محمد برای تبایغ قوم تو میگوید بازگویی تا قوم تو بدانند که تو آنها را دروغ و زشت میشماری - پاسخ داد که : چه بگویم ؟ بخدا سوگند که در میان شما کسی مانند من به شعر - اعم از ارجوزه و قصاید و اشعار جن - داناتر نیست بخدا سوگند که آنچه محمد میگوید چیزی ازین قبیل - که گفتم - نیست بخدا سوگند که در گفتارش شیرینی و نیکویی است ، بالا و پایینش درخشان است ، کلامی است بلند مرتبه که چیزی به برتری و بلندی آن نمیرسد. آنگاه پس از اصرار ابوجهل ، گفت : بگذار بیندیشم ، سپس با خویشان جدل کرد و بالاخره چنین نتیجه گرفت که « این کلام سحر است » و شاید منظورش از سحر چیزهایی بود که نیروهای پنهانی آنها سبب می شوند و مردم عاده<sup>۵۶</sup> حقیقت آنها نمیدانند و پروردگار نیز در آیه ۲۴ سوره مدثر<sup>۵۷</sup> بدان اشاره کرده است: « فقال ان هذا الاسحر یؤثر<sup>۵۶</sup> » .

نویسنده مذکور درین مورد تشبیه جالبی بکار برده است . او میگوید که تقریباً همه مهندسان يك نوع وسایل و مواد را برای ساختمان مورد استفاده قرار میدهند ولی هیچگاه نتیجه کارشان بهم شبیه نیست. سخنوران هم مواد یکسانی را برای آفریدن آثار ادبی خود بکار می برند ولی قدرت ترکیب و «حسن اختیار» است که کلامی را باند میسازد و کلامی دیگر را در مقامی فرودین جای میدهد<sup>۵۷</sup> سپس محمد الغزالی ۲۸ نظریه را که دانشمندان در باب اعجاز قرآن ذکر کرده اند بیان نموده که آنچه به فصاحت و بلاغت قرآن باز میگردد بدین شرح است :

۱ - فصاحت الفاظش در هر شرط .

۲ - بلاغت آن اعم از رعایت مقتضای حال و مقام یا بلاغت ذوقی و معنوی .

۳ - فصاحت و سادگی آن باین وصف شامل بخشی وسیع از تمدن

بشری است .

۵۶- نظرات فی القرآن از محمد الغزالی چاپ مصر ص ۱۴۴ .

۵۷- همان کتاب ص ۱۴۷ .

- ۴ - فراوانی محاسن طبیعی علاوه بر محاسن بدیعی .
- ۵ - ایجازی که بخد اعجاز میرسد بدون آن که بمقصود لطمه‌ای وارد سازد
- ۶ - اطناب غیر ممل در مکررات .
- ۷ - بانندی معنی و مقصود .
- ۸ - نیکویی در اسلوب و مقاطع و اوزان متفرع آن .
- ۹ - فواصل و سجعهای طبیعی .
- ۱۰ - دور بودن از تناقض و اختلاف .
- ۱۱ - نداشتن تنافر حروف و اختلاف مقاصد .
- ۱۲ - تازگی در هر عصر و زمان .
- ۱۳ - اشتهال بر سهل ممتنع که در شعر ملاک اعجاز و برتری نهایی است .
- ۱۴ - قوت عبارات برای بیان وجوه مختلف و ساز و آری الفاظ بامعانی .
- ۱۵ - ذکر داستانهای شیرین تاریخی از روزگاران گذشته .
- ۱۶ - ذکر مثالهای نیکو که معقول را محسوس میسازد و غایب را به ذهن حاضر میسازد .
- ۱۷ - خطابه‌های بدیع و روش‌های نیکو در جدل و اقناع .
- ۱۸ - نیروی و برتری منطق .
- ۱۹ - شامل بودن بر رموز در آغاز سوره‌ها که سبب دهشت فکر می‌گردد .
- ۲۰ - کشش‌های روحی آن برای خردمندان و جادوگری آن در عقلا و روحها<sup>۵۸</sup> .

### معتقدان به «صرفه» و عدم اعجاز بیانی قرآن

با وجود همه مطالبی که یاد شد این نکته را نباید ناگفته گذاشت که ظاهراً برخی از متکلمان، فصاحت و بلاغت قرآن را دلیلی بر اعجاز آن نمی‌دانند، زهدی حسن جارالله مؤلف کتاب «المعتزله» از قول ابن راوندی این عقیده را به‌نظام

معتزلی نسبت داده است که میگوید: «نظم قرآن و حسن تألیف کلماتش معجزه پیغامبر (ص) نیست و نیز دلیلی بر صدق پیامبر در نبوت محسوب نمیشود». بگفته ابن رواندی وی معتقد است که «مردم قادرند که از جهت نظم و تألیف مانند قرآن را بوجود آورند اما خداوند «جبراً و تعجیلاً» اذهان آنان را ز معارضه با قرآن منحرف ساخته است. اگر آنان را آزاد می گذاشت از حیث فصاحت و بلاغت، مانند قرآن را بوجود می آوردند»<sup>۵۹</sup>. عین همین مطالب در کتاب «اصول الدین» بغدادی و کتاب «اعجاز قرآن و بلاغت محمد» نیز وجود دارد. ابی منصور عبدالقاهر بغدادی میگوید که: «نظام بادیکر قدریان گمان کرده است که مردم قادرند که مانند قرآن را در فصاحت و نظم بوجود آورند و حتی بایفتر از آنرا اما خداوند آنان را تکذیب کرد باین که گفته است که مردم هر چه کوشیدند که مثل آنرا بیاورند نتوانستند و همین دلیل آنست که منظور، اعجاز قرآن ازین جهت بوده است»<sup>۶۰</sup>.

مصطفی صادق رافعی نیز دربارهٔ آنان که به اعجاز بیانی قرآن معتقد نیستند چنین آورده است: «از معتزله ابو اسحق ابراهیم نظام بر آن بود که اعجاز قرآن «بصرفه» یعنی انصراف افکار بشر از معارضه با قرآن - با قدرت بر معارضه با آن - میباشد، و این امری خارق عادت است، بنابراین قرآن خود دارای اعجاز نیست»<sup>۶۱</sup> «سید مرتضی از علمای امامیه نیز معتقد «بصرفه» بود ولی معنی آن را چنان دانسته که خداوند، علم را از کسانی که در مقام معارضه برمی آیند سلب می نماید و بعقیده او برای بشر ممکن است عباراتی با اسلوب قرآن بیاورند ولی در مقام معارضه، آن عبارات را در یک سلسله معانی نامربوط می ریزند»<sup>۶۲</sup>، «ابن

۵۹- المعتزله از زهدی حسن جارالله چاپ قاهره ص ۱۲۹.

۶۰- اصول الدین از ابومنصور عبدالقاهر بغدادی ص ۱۸۴.

۶۱- اعجاز قرآن و بلاغت محمد از مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای ابن الدین ص ۹۹.

۶۲- همان کتاب، همان صفحه.

حزم<sup>۶۳</sup> در مورد «صرفه» عقیده‌ای دیگر دارد وی در کتاب «فصل» میگوید که چون خداوند قرآن را کلام خویش قرار داد و او را معجزه گردانید مردم را از معارضه با آن مانع گشت<sup>۶۴</sup>، آنان که با این عقیده مخالفند می‌گویند که سلب توانایی از معارضه با عقیده‌ای دلیل اثبات آن عقیده نیست بلکه دلیل عدم صحت آنست و ازین گذشته باید دانست که ممکنست «معارضه نکردن با چیزی از راه نسیان و غفلت یا سستی و ملالت - با قدرت بر آن - باشد ولی نمیتوان آنرا اعجاز نامید و نه خود داری آنرا عجز خواند، بلکه میبایست بسستی و سهل انگاری تعبیر نمود»<sup>۶۵</sup>.

خیاط معتزلی قولی را که مورد عقیده به عدم اعجاز بیانی قرآن به نظام نسبت داده شده تکذیب کرده و گفته است که نظام قرآن را هم از لحاظ نظم و هم از جهت خیر دادن به غیب، معجزه میدانسته است<sup>۶۶</sup>. اما علاوه بر کتب مذکور در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» تألیف جلال الدین سیوطی نیز عقیده به «صرفه» به نظام نسبت داده شده و با دلایلی مردود شناخته شده است<sup>۶۷</sup>.

### ۳ - کلام خدا بودن

در کتابهای کلامی بدرستی روشن نیست که چه کسانی عقیده داشته‌اند که «صرف کلام خدا بودن» و یا «قدیم بودن» قرآن، دلیلی اعجاز آن بشمار میرود

۶۳- ابن حزم: «ابو محمد علی بن احمد بن سعید بن حزم اموی اندلسی، اصل او از فارس است، جد اعلای او از موالی یزید بن بیسفیان برادر معاویه بود و از اینرو او را اموی گفتندی. پدرش احمد ابن سعید وزیر ابو منصور از سلاطین عامری بود و پس از ابو منصور وزارت پدرش مظفر داشت. و در سال ۴۰۲ درگذشته است. ابن حزم در شهر قرطبه بسال ۳۸۴ متولد شد و بدانجا مانند پدر خویش جاهی عریض یافت و وزیر عبدالرحمن مستظهر بالله هشام بن عبدالجبار بن عبدالرحمن الناصر گردید و پس از چندی شغل وزارت را ترک گفت و بکار علم گرایید... وفات او بسال ۴۵۶ بوده است» لفت نامه دهخدا.

۶۴- اعجاز قرآن و بلاغت محمد از مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای ابن الدین ص. ۱۰۰.

۶۵- همان کتاب، همان صفحه.

۶۶- «المعتزله» زاهدی حسن جارالله چاپ قاهره ص ۱۲۹.

۶۷- «الاتقان فی علوم القرآن» از جلال الدین السیوطی الشافعی جزء دوم ص ۱۱۸.

ولی از مطالبی که در رد عقیده آنها نوشته شده چنین استنباط میشود که چنین عقایدی وجود داشته است. در کتاب «دلایل اعجاز» نوشته شده که: «اعجاز قرآن بعلت قرآن بودن و کلام خدا بودن نیست زیرا که در هر حال کلام خدا محسوب میشود بلکه آنچه بدان جنبه اعجاز داده کیفیتی است که اساس نظم و تألیف آیات و کلمات بر آن متکی است» و بعقیده وی این کیفیت به فصاحت و بلاغت قرآن باز میگردد.<sup>۶۸</sup> عقیده ابن حزم در کتاب «فصل» همین است که «چون خداوند، قرآن را کلام خویش قرار داد او را معجزه گردانید و مردم را از معارضه با آن مانع گشت»<sup>۶۹</sup>.

باقلائی در کتاب «اعجاز قرآن» درین خصوص نوشته است که: «آنان که می گویند قرآن بعلت کلام خدا بودن معجزه است، اشتباه کرده اند زیرا که اگر چنین بود لازم می آمد که تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی نیز معجزه باشند در حالیکه چنین نبوده است»<sup>۷۰</sup>.

#### ۴ - قدیم بودن

چنانکه از کتابهای کلامی برمی آید این عقیده طرفداران چندانی نداشته است. جلال الدین سیوطی «الاتقان فی علوم القرآن» نوشته است که: «عده ای قرآن را قدیم میدانند که صفت ذات خداوندست و بدین جهت اعراب نمی توانستند با آن معارضه کنند»<sup>۷۱</sup>. سپس وی این عقیده را مردود می شمارد بدین دلیل که اگر قرآن صفت ذات خداوند باشد یعنی درک آن برای کسی امکان نداشته باشد، اصولاً کسی را به معارضه با آن نمی خوانند.<sup>۷۲</sup>

۶۸- دلایل الاعجاز از عبدالقاهر جرجانی چاپ ۱۳۳۱ هـ مصر ص ۳۹۸.

۶۹- اعجاز قرآن و بلاغت محمد از مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای ابن الدین ص ۱۰۰.

۷۰- اعجاز قرآن از ابوبکر محمد بن طیب باقلائی مصحح سید احمد صقر ص ۶۹.

۷۱- الاتقان فی علوم القرآن از جلال الدین السیوطی الشافعی جزء دوم چاپ مصر ص ۱۱۸.

۷۲- همان کتاب ص ۱۱۸.

باقلائی این عقیده را بنوعی دیگر مورد بحث قرار داده و مردود شناخته است ، او می گوید : آنان که می پندارند که اعجاز قرآن بسبب قدیم بودن آن است ، در عین حال معتقدند که «حروف» قدیم نیستند و دیگران نیز بر همین عقیده اند ، بنابراین اگر همین فرض را در نظر بگیریم بدین نتیجه میرسیم که قرآن از ترکیب حروف بوجود آمده و بنابراین حروف ، اصل قرآن محسوب میشوند و چون ما حروف را قدیم نمیدانیم ، اصل فاسد خواهد شد و ترکیب آن هم بطریق اولی فاسد خواهد بود<sup>۷۳</sup> .

### ۵ - خبر دادن از غیب

این وجه نیز همانند فصاحت و بلاغت قرآن مورد قبول اغلب متکلمان قرار گرفته و دایمی بر اعجاز قرآن شمرده شده است ، چنانکه حتی برخی از آنان که فصاحت و بلاغت قرآن را به عنوان یکی از وجوه اعجاز قرآن نپذیرفته اند خبر دادن قرآن را از امور غیبی گذشته و آینده دلیلی استوار بر اعجاز آن شمرده اند بنابراین نویسنده کتاب «المعتزله» نظام معتزلی که «در نظم قرآن و حسن تألیف کلماتش را معجزه پیامبر میدانست» ، «وجه دلالت بر صدق نبی» را اخباری می دانست که از غیب در قرآن یاد شده است<sup>۷۴</sup> . این عقیده را نویسنده کتاب اعجاز قرآن و بلاغت محمد (ص) نیز به نظام نسبت داده است<sup>۷۵</sup> .

ابومنصور بغدادی این گونه امور غیبی را به دو دسته تقسیم کرده است :

۱ - اخبار عینی درباره گذشتگان ، و این هنگامی عجیب است که توسط کسی ذکر شده باشد که کتاب نخوانده باشد و با تاریخ دانان هم همنشین نشده باشد<sup>۷۶</sup> .

۲ - خبر دادن از امور غیبی آینده چنانکه آن خبر عیناً صورت تحقق بخود

۷۳- اعجاز القرآن از ابوبکر محمد بن طیب باقلانی مصحح سید احمد صقر ص ۶۹ .

۷۴- «المعتزله» از زهدی حسن جارالله چاپ مصر ص ۱۲۹ .

۷۵- اعجاز قرآن و بلاغت محمد از مصطفی صادق رانعی ترجمه آقای ابن الدین ص ۹۹ .

۷۶- اصول الدین از ابومنصور بغدادی چاپ استانبول ص ۱۸۲-۱۸۴ .

گرفته باشد ، نه آنگونه که کاهنان و منجمان گفته‌اند<sup>۷۷</sup> .

جلال‌الدین سیوطی نیز در «الاتقان فی علوم القرآن» اعجاز قرآن را «اسلوب و بلاغت و اخبار از مفیبات» دانسته و بتفصیل درین باره بحث کرده است<sup>۷۸</sup> .  
درینجا لازمست که شواهدی ازین گونه امور غیبی بعنوان نمونه ارائه گردد:  
الف : از نوع وعده‌ها ، پیش‌بینی‌هایی که در قرآن بیان شده و بعداً به حقیقت پیوسته است ، وعده‌هاییست که در مورد یاری دین اسلام و پیروزی حضرت محمد(ص) آمده است : «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون<sup>۷۹</sup>» ، «قل لالذین کفروا استغلبون و تحشرون الی جهنم و بئس المهاد<sup>۸۰</sup>» .

پس از نزول این آیات ، بسی نگذشت که پیامبر اسلام ، کافران رامقهور گردانید و دین خدائی او از مرزهای عربستان پافراتر نهاد و سرزمینهای وسیعی را در بر گرفت و اندک اندک پیش‌بینی قرآن در مورد تسخیر روم و مکه و بدست آوردن غنائم فراوان صورت تحقق پذیرفت<sup>۸۱</sup> : «الم غلبت الروم ...<sup>۸۲</sup>» ، و عدکم الله مفانم کثیرة<sup>۸۳</sup> ، «ولتدخلنَّ المسجد الحرام<sup>۸۴</sup>» .

ب : خیردادن از افسانه‌ها و تاریخ پیشینیان به همان ترتیب که در سایر کتب آسمانی ذکر شده است در حالیکه محمد(ص) کتاب نخوانده بود و اساساً خواندن نمیدانست و این «قولی است که جمالگی برآند» ، اما بعضی از کافران

۷۷- اصول‌الدین از ابو منصور بغدادی، چاپ استانبول ص ۱۸۴ .

۷۸- الاتقان فی علوم القرآن از جلال‌الدین سیوطی الشافعی چاپ قاهره جزء دوم ص ۱۱۷ .

۷۹- قرآن کریم سوره ۹ توبه آیه ۳۳ .

۸۰- قرآن کریم سوره ۳ آل عمران آیه ۱۲ .

۸۱- اعجاز القرآن از ابوبکر باقلانی ص ۴۸-۴۹ و الارشاد از امام الحرمین جوینی ص ۳۵۲ و ۳۵۳ .

۸۲- قرآن سوره ۳۰ روم آیه ۱ .

۸۳- قرآن سوره ۴۸ فتح آیه ۲۰ .

۸۴- قرآن سوره ۴۸ فتح آیه ۲۷ .



چون به عجز خویش از آوردن «مانند قرآن» اطمینان یافتند به پیامبر اسلام گفتند که «تو به اخبار گذشتگان بر چیزهایی واقفی که مانمیدانیم و از اینرو آنچه برای تو میسر است برای من نیست، حضرت محمد (ص) گفت «اخبار دروغ بیاورید» اما باز هم «هیچکدام از خطبا و شعرا ... در مقام آن بر نیامدند و امید آنرا نداشتند که بتوانند، و اگر از روی تکلف نیز می آوردند، آشکار میگشت و کسانی آنرا نیکو می پنداشتند و از آن دفاع می کردند و آنرا در مقام معارضه با قرآن و مقابله با آن بیرون می آوردند»<sup>۸۵</sup>.

## ب: وجوهی که روشنفکران اخیر علاوه بر سایر وجوه بدانها پرداخته اند:

### ۱ - تأثیر قرآن در درون و احساس

اگرچه این تأثیر تا حدود زیادی به قوه بیان قرآن وابسته است و در حقیقت مربوط به اعجاز بیانی قرآن است، به سبب ویژگیهای آن بطور جداگانه عنوان شده است:

محمد الغزالی نویسنده کتاب نظرات فی القرآن این عقیده را عنوان کرده و نوشته است که: «بخشی بزرگ از اعجاز قرآن را تأثیر آن در درون و احساس انسان تشکیل میدهد چنانکه تصور نمیکنم که هرگاه شخصی - که دارای طینت درست و اندیشه راست باشد - پس از خواندن قرآن یا شنیدن آن گمان کند که از آن متأثر نشده است»<sup>۸۶</sup>. «علت این تأثیر آنست که قرآن با همه پایدیها و عوارض ناگوار نفس بطور صحیح و با توجهی استوار معارضه کرده است، گویی که قرآن کریم با اسلوب منحصر بفرد خود تنگناهای زندگانی و لغزشهای انسانی را بخوبی می شناسد و همین است سِرُّ «تعمیمی» که پروردگار بدان اشاره کرده است: «ولقد صرفنا فی هذا القرآن للناس من کل مثل»<sup>۸۷</sup>، چنانکه حتی آنان که

۸۵- اعجاز قرآن و بلاغت محمد از مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای ابن الدین ص ۱۲۲ .

۸۶- نظرات فی القرآن از محمد الغزالی چاپ مصر ص ۱۲۱ .

۸۷ و ۸۸- قرآن: سوره کف آیه ۵۵ .

قرآن را تکذیب می کنند ناچار از این اعتراف اند که قرآن ساخته دست بشر نیست و از نزد پروردگار آمده است . این تأثیر عمیق ، در قرآن هم مورد اشاره قرار گرفته است که : «الله نزل احسن الحدیث کتاباً متشابهاً مثانی تقشعر منه الجلود الذین یخشون ربهم ثم تالین جلودهم وقلوبهم الی ذکر الله ذلک هدی الله یهدی به من یشاء ومن یضال الله فما له من هاد»<sup>۸۸</sup> . بعضی از مفسران در شرح آیه «ولقد صرفنا فی هذا القرآن للناس من کل مثل»<sup>۸۹</sup> ، گفته اند که «رددنا وکررنا من کل معنی هو کالمثل فی غرابته وحسنه اوسقناهم وجوه العبر والاحکام والوعید والوعید والقصص وغیر ذلک»<sup>۹۰</sup> . مقصود آنست که نفس انسان را پس از شنیدن یا خواندن متقاعد می سازد و به همین دلیل برگشتن از ایمان پس از خواندن آن کفر است بعلت تجاهل نه از جهت جهل و به علت تقصیر نه بسبب قصور ... ترکیب ها و معانی قرآن که موجب این اثر سحر آمیز میشود متضمن بیانی است از مظاهر هستی تا اشاره به قیامت و سپس ترساندن بشر از غفلت و ... : «کلا والقمر واللیل اذا ادبر والصبح اذا اسفرانها لأحدی الکبر ، نذیراً للبشر لمن شاء منکم ان یتقدم اوی تأخر کل نفس بما کسبت رهینة الا اصحاب الیمین فی جنات یتسائلون عن المجرمین ما سلکم فی سقر قالوا لم نک من المصلین ولم نک نطعم المسکین و کنا نخوض مع الخائضین وکنا نکذب بیوم الدین حتی اتینا الیقین ، فما تنفعهم شفاعة الشافعین»<sup>۹۱</sup> .

کلمات و معانی از جنس سایر کلمات و معانی است که ما میدانیم اما آثار آن را میدانیم که از کجا می آید<sup>۹۲</sup> . اسلوب قرآن ، دیوارهای غفاتی را میشکافد و به زرفای احساس مامیرسد و آنگاه آنچنان که میخواهد دل را می ترساند یا راغب می سازد<sup>۹۳</sup> .

۸۹- قرآن: سوره زمر آیه ۲۳ .

۹۰- نظرات فی القرآن از محمد الفزالی چاپ مصر ص ۱۲۳ .

۹۱- قرآن سوره ۷۴ مدثر آیات ۴۸ تا ۳۲ .

۹۲- نظرات فی القرآن از احمد الفزالی چاپ مصر ص ۱۲۴ .

## ۲ - اثر سیاسی و اجتماعی قرآن

پراکندگی جسمی و فکری قبایل مختلف عرب قبل از پیدایش اسلام امری است که بر هیچ کس پوشیده نیست. قبایلی که «قانون جنگل» و نظام «آکل و ماکول» را بهترین قانون زندگی می‌دانستند و به خونریزی و غارت افتخار می‌کردند، پس از گرویدن به اسلام و گردن نهادن به تعالیم عالیّه قرآن به چنان جامعه مستحکم اخلاق استواری دست یافتند که پیشرو حکومت‌های جهان و پرچمدار اخلاق و دانش بشری گردیدند.

میدانیم که «تاریخ هر ملت مادام که بر اساس اخلاق استوار نگردد پایدار نمی‌ماند زیرا تاریخ بشر بمنزله جامعه‌ایست که تار و پود آن از زندگی افراد تهیه گردیده و ماده حقیقی آن اخلاق است»<sup>۹۴</sup> ... قرآن برای تشکیل جامعه‌ای برمبنای اخلاق پافشاری کرد و بدین جهت جامعه‌ای مستحکم تشکیل داد و فضایل شخصی و اجتماعی را در دل فرد فرد آن قرار داد. این بدان علت بود که قرآن برخلاف روش نویسندگان کتب اخلاق، قواعد اخلاق را طوری نوشته است که موجب اختلاف آراء گردد و بزمان و مکان مختص باشد بلکه در آن بوجوهی از تعبیرات و بیان قصص تفنن نموده و با فطرت انسانی تطبیق داده و مردم را بیک رشته از دستوره‌های سیاسی - که بحال عموم بشر در هر دوره مفید است گوشزد ساخته است بطوری که اگر این عالم فانی گردد و از نوع‌العالمی دیگر برپاشود و آداب قرآن براهالی آن عالم عرضه گردد، آنان نیز بدون تردید، حقانیت و صحت آنرا تصدیق مینمایند و آنرا یگانه وسیله برای رسیدن بحق و حقیقت می‌شناسند»<sup>۹۵</sup>، به همین دلیل تعلیمات عالیّه قرآن حق بزرگی برگردن بشریت دارد چرا که «قرآن، اساس نهضت اسلامی و پیشرفت علوم و آزادی فکر»<sup>۹۶</sup>

۹۳- ایضا نظرات فی القرآن ص ۱۲۶ .

۹۴- اعجاز قرآن و بلاغت محمد از مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای ابن‌الدین ص ۷۳ .

۹۵- همان کتاب ص ۷۹ .

۹۶- همان کتاب ص ۸۲ .

گردیده است .

### ۳ - اعجاز علمی قرآن

پیشرفت‌هایی که در قرن حاضر از لحاظ تکنولوژی نصیب بشر شده ، موضوع اعجاز علمی قرآن را مطرح ساخته است زیرا که بسیاری از تشبیهات پیش‌بینی‌های علمی قرآن بارشته‌های مختلف دانش بشری قابل توجیه است و براستی که گاهی خردانسان ازین همه همانندی مفهوم آیات قرآنی باترقیات کنونی علم ، به حیرتی شگرف دچار میشود و معتقد میگردد که يك انسان هر چند بصیر و ژرف اندیش باشد قادر نیست که سخنانی بگوید که وصف الحال ۱۴۰۰ سال بعد باشد و این نیست مگر بعلت اعجاز کلام پروردگار که در صورت آیات قرآنی تجلی کرده است .

کدام کلمات بهتر از آیات سوره فیل میتواند باصحنه حملات بمب افکن‌های امروزی مطابقت داشته باشد ؟ : « وارسل عایهم طیراً ابابیل ، ترمیهم بحجارة من سجيل فجعلهم كعصف مأكول<sup>۹۷</sup> » .

امروز بشر توانسته است که پرچم قدرت خویش را در دل آسمانها و کرات دیگر برافرازد و گستاخ وار بر سطح ماه پای گذارد اما قرآن نشان میدهد که در حدود ۱۴۰۰ سال قبل - که بشریت در ظلمات جهالت سرگردان بود - پروردگار بزرگ ، دعوت نامه این مسافرت باشکوه را توسط پیامبر گرامی خویش برای جهانیان فرستاده است :

« یامعشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لاتنفذون الا بسطان<sup>۹۸</sup> » .

در قرنهای پیشین اعجاز این آیات آسمانی بر افکار انسان پوشیده بود و اغلب مفسران با اطلاق نام «متشابهات» بر آنها، عجز خویش را در تعبیر و تفسیر

۹۷- قرآن مجید، سوره ۱۰۵ فیل آیه ۲ و ۳ و ۵ .

۹۸- قرآن کریم سوره ۵۵ الرحمن آیه ۲۳ .

راستین آنها آشکار میکردند لیکن هرگامی که بشر در راه پیشبرد دانش و تکنیک بر میدارد، گویی دستی نامرئی پرده‌ای دیگر از روی حقایق قرآن بر میدارد و اوهام و اندیشه‌ها رابه حیرتی وصف ناشدنی دچار میسازد.

مصطفی صادق رافعی مؤلف کتاب «اعجاز قرآن و بلاغت محمد(ص)» درین مورد چنین میگوید: «ازادله اعجاز قرآن این است که برای مفسرین در تفسیر خود بواسطه نقصان وسایل علمی، اشتباهاتی رخ داده که پس از آن در نتیجه تکمیل وسایل و پیشرفت علوم طبیعی، آن اشتباهات مرتفع گشته و بهر مقدار که پیشرفت فنون طبیعی و اکتشافات علمی و وسایل فنی بیشتر گردد، حقایق خالص قرآن روشن تر میشود، گویی کشف حقایق قرآن علت غایی و یگانه منظور از تقدم علوم طبیعی می باشد و چنانست که آن هنگام که یکی از وسایل علمی، حقیقتی از حقایق آسمان و زمین را کشف میکنند مشکلی از مشکلات قرآن را نیز حل مینمایند: والله غالب علی امره و لکن اکثر الناس لا یعلمون<sup>۹۹</sup>». «قرآن خود اشاره به پیدایش این علوم و غایت آن نموده چنانکه فرماید: سنریمه آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید<sup>۱۰۰</sup>» بزودی آیات خود را در آفاق و نفوس بشری نمودار می کنیم تا ظاهر گردد که خداوند حق است، آیا کافی نیست برای خداوند اینکه بهر چیزی مطلع است؟ هرگاه تمام علوم بشری مجتمع گردد از جمله «فی الآفاق و فی انفسهم» بیرون نیست و این تعبیری است که در حد اعجاز است و برای هر کس واضح و بدیهی است<sup>۱۰۱</sup>».

محمد الفزالی مؤلف کتاب «نظرات فی القرآن» نیز معتقد است که: «پروردگار مرکز همه عالم است و «کلمات الله» را پایانی نیست: ولوان ما فی الارض من

۹۹- قرآن کریم، سوره ۱۲ یوسف آیه ۲۱ - از صفحه ۹۳ و ۹۴ کتاب اعجاز قرآن و بلاغت محمد اثر

مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای ابن الدین .

۱۰۰- قرآن سوره ۴۱ حم، آیه ۵۳ .

۱۰۱- اعجاز قرآن و بلاغت محمد اثر مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای ابن الدین ص ۹۳ .

شجرة اقلام والبحر يمدده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله<sup>۱۰۲</sup>» ، «قل لو كان البحر مداداً لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفذ كلمات ربي ولو جئنا بمثله مدداً»<sup>۱۰۳</sup>. آنگاه غزالی شواهدی را از قرآن در بیان قوانین طبیعت از قبیل جاذبه نیروی الکتریسته در ابرها و... را بیان کرده است<sup>۱۰۴</sup> که مابرای نشان دادن نحوه استدلال وی به ذکر يك مورد از آنها اکتفا میکنیم :

«وارسلنا الرياح لواقح فانزلنا من السماء ماء فاسقينا كموه وما انتم له بخازنين»<sup>۱۰۵</sup>.

بعقیده غزالی معانی مضمّن درین آیه مشتملست بر ترتیب نزول باران برای سیراب کردن مردم که بر فرستادن بادهای «لواقح» استوارست . او میگوید که: مردم ، لواقح را صفت باد میدانند که موجب «لقاح» در گیاهان میشود ولی اینان نصف دوم آیه را نادیده گرفته اند که پس از این مفهوم ، به نزول باران اشارت میکند . آنگاه پس از چندین صفری و کبری چیدن ، نتیجه میگیرد که ریح لواقح اشاره است به کیفیت الکتریسته مثبت و منفی در ابرها و اثر باد در جذب آنها - محمد غزالی لقاخ را بر خورد ابرها بایکدیگر میدانند و معتقد است که بین لقاخ ابر و لقاخ نباتات مشابهت فراوان موجود است . چون لقاخ در نبات موجب پیدایش چیز تازه ای میگردد که خاصیتش غیر از خواص هر يك از اجسام ترکیب کننده آنست و در ابرها نیز این برخورد شیء تازه ای را سبب میشود که همان باران است و این امری است که عالم جدید آنرا کشف کرده است<sup>۱۰۶</sup>». سپس آیات دیگری را نقل میکند و میگوید که «مردم این گونه آیات را نوعی مجاز از مجازهای بلاغی

۱۰۲- قرآن کریم سوره ۲۱ لقمان آیه ۲۷ .

۱۰۳- قرآن کریم سوره ۱۸ کهف آیه ۱۰۹ .

۱۰۴- نظرات فی القرآن اثر محمد الغزالی ص ۱۲۸ تا ۱۴۱ .

۱۰۵- قرآن کریم سوره ۱۵ الحجر آیه ۲۲ - و ص ۱۳۷ کتاب نظرات فی القرآن از محمد الغزالی

چاپ مصر .

۱۰۶- نظرات فی القرآن از محمد الغزالی چاپ مصر ص ۱۲۸ .

میدانند درحالی که بیان کننده حقیقتی است از مهمترین حقایق وجود<sup>۱۰۷</sup>». درمورد اعجاز علمی قرآن کتاب مستقل دیگری به زبان پارسی نوشته شده است به نام «اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی» که در آن آیات معینی از قرآن ذکر و با علوم امروزی تطبیق داده شده است نمونه‌ای از استدلالهای آن بدین شرح است: «وانزلنا من المعصرات ماء ثجاجاً<sup>۱۰۸</sup>»، با در نظر داشتن معنی «معصر» و اسم مصدری آن «اعصار» ترجمه «معصرات» عبارت زیر خواهد بود: (ابرهایی که توسط گردباد و طوفانهای دریایی تولید شده و حاضر به باریدن باشند)، بنابراین ترجمه آیه چنین میشود: از گردبادها و طوفانهای دریایی، ابرهائیکه مترکم و حاضر باریدن باشند (پدید آورده و ازین گونه سحابها) آب سیل آسافرو می‌ریزیم.

بدین قرار قرآن کریم در ۱۳۶۰ سال قبل تذکر داده است که:

- ۱ - ابرها در اثر بادها و طوفانهای دریایی تولید میشوند (معصرات)
- ۲ - بادها و طوفانها در نوع باران دخالت دارند (من المعصرات ماء ثجاجاً)
- ۳ - تا ابرها تکاتف جسمیشان بحد معین نرسد نزول باران ممکن نیست (معصرات و سایر آیات قرآنی که بعداً عنوان خواهد شد...)<sup>۱۰۹</sup>.

\* \* \*

سخن کوتاه‌ما درباره اعجاز قرآن پایان رسید در صورتی که هنوز جز قطره‌ای از اقیانوس اعجاز قرآن رانشان نداده‌ایم، چرا که آنچه گفته شد دور نمایی از عقاید و درک گذشتگان و معاصران است، درحالیکه کاروان زمان شتابان تر از شبروان خیال به سیر خویش ادامه میدهد و پیشرفت‌های سریع علوم در

۱۰۷- نظرات فی القرآن از محمد الفزالی چاپ مصر.

۱۰۸- قرآن، سوره نبا آیه ۱۴.

۱۰۹- اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی اثر یدالله نیازمند شیرازی چاپ ۱۳۲۷ نقش جهان ص

آینده ، دریچه‌های دیگری را در برابر آیندگان خواهد گشود و حقایق قرآن را روشنتر از پیش در برابر دیدگان آنان قرار خواهد داد .

مانیز چون دیگران چشم به راه آینده می‌نشینیم و برای حسن ختام ، رشته سخن را به دست مؤلف کتاب «اعجاز قرآن و بلاغت محمد(ص)» می‌سپاریم که میگوید : «آنچه در وجه اعجاز قرآن - پس از بحث و تأمل در آراء علما و نظر در نظم و تألیف و اسلوب قرآن و مقایسه آن با کلام عرب و نیز پس از تعمق تاریخی در آثار انسانی و تتبع کلمات بلغا در بیان مطالب ، وجه نظر آنان در ادای مقصود از نظر بلاغتی و اسرار لغوی و هم کشف از مقاصد بطوری که متناسب با روش حیاتی عمومی در دقت تألیف و زیبایی تصویر و ملایمت با معنی باشد - معلوم میگردد که قرآن بتمام معنی معجزه است و معارضه با آن بهیچوجه در دسترس بشر نیست ، و آن همچون آیات جهانی خداوند دارای اتقان صنع و جمال ترکیب است که تنها از یکعده‌ای از کلمات و حروف ترکیب یافته و در قالبهایی از الفاظ ریخته شده و یا بمنزله صورت انسانی است که وی صورتی از مجموع کائنات درین عالم می‌باشد» .

### راه حق بر همه روشن باد



### فهرست مآخذ این مقاله

- ۱- الاتقان فی علوم القرآن از جلال الدین السیوطی الشافعی جزء دوم چاپ قاهره .
- ۲- الارشاد الی قواطع الادب فی اصول الاعتقاد از امام الحرمین ابوالمعالی جوینی (م. ۴۷۸) مصحح دکتر محمدیوسف موسی - علی عبدالمنعم عبدالحمید چاپ مصر .
- ۳- اصول الدین از ابی منصور عبدالقاهر التیمی بغدادی (م ۴۲۹) چاپ استانبول م. ۱۹۲۸ ، ۱۳۴۶ هـ .
- ۴- اعجاز القرآن از ابوبکر محمد بن طیب باقلانی مصحح سید احمد صقر چاپ مصر .
- ۶- اعجاز قرآن و بلاغت محمد از مصطفی صادق رافعی ترجمه آقای عبدالحسین ابن الدین چاپ عطائی، شهریور ۱۳۳۹ هـ .
- ۷- البیان والتبیین از ابی عثمان عمرو بن بحر الجاحظ (م ۲۵۵) جزء اول چاپ قاهره ۱۳۳۲ هـ .
- ۸- الجامع الكبير فی صناعة المنظوم من الکلام والمنثور از ضیاء الدین بن الأثیر الجزری ، مصحح دکتر مصطفی جواد - دکتر جمیل سعد ۱۹۵۶ م. - ۱۳۷۵ هـ . بغداد .
- ۹- دلائل الاعجاز از امام عبدالقاهر جرجانی مصحح شیخ محمد عبده - شیخ محمد محمود الترکزی الشنقیطی ۱۳۳۱ هـ . مصر .
- ۱۰- ترجمه شرح باب حادی عشر از حاجی میرزا محمد علی حسینی شهرستانی چاپ مرکز نشر کتاب ۱۳۷۸ هـ . تهران .
- ۱۱- المعتزله از زهدی حسن جارالله چاپ قاهره .
- ۱۲- النافع یوم العشر فی شرح باب حادی عشر از فاضل مقداد چاپ عکسی مرکز نشر کتاب، تهران .
- ۱۳- نظرات فی القرآن از محمد الغزالی چاپ مصر .
- ۱۴- لغت نامه دهخدا .